

با آمریکا نمی‌توانیم رفع تخصم کنیم، اما می‌توانیم این تخصام را به گونه‌ای مدیریت کنیم که مردم آسیب کم‌تری ببینند.» روایت مشابهی هم از کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی منتشر شد. ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس، به نقل از وزیر پیشنهادی وزارت خارجه گفته است: «برنامه ما مدیریت تخصام با آمریکا است، چون رفع تخصام بین ایران و آمریکا به خاطر جهان‌بینی و تفاوت‌های بنیادین بین ایران و آمریکا، شدنی نیست.»

مشخص نیست سیاست‌اعلامی «مدیریت تخصام» چه تفاوتی با وضعیت کنونی روابط ایران و آمریکا دارد. در دولت سیزدهم و در طول یک سال و نیم گذشته، تهران و واشنگتن به صورت مستمر با یکدیگر در تماس بودند و چه در مذاکرات مستقیم و چه در مذاکرات غیرمستقیم، برای کاهش تنش گفت‌وگومی کردند. ایران و آمریکا بعد از مذاکرات طولانی برای کاهش تنش تعهداتی در قبال یکدیگر دادند که از جمله آنها می‌توان به انتقال دارایی‌های مسدودشده ایران در کره جنوبی به قطر، تبادل زندانیان، توقف حملات گروه‌های متحد ایران در عراق و سوریه به نیروهای آمریکایی اشاره کرد. مذاکرات ایران و آمریکا در عمان، اردیبهشت ۱۴۰۲ به یک تفاهم ثانوشسته غیررسمی منجر شد که بر اساس آن ایران تعهد می‌داد که غنی‌سازی اورانیوم خود را از سقف ۶۰ درصد فراتر نبرد، از حمله به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه توسط گروه‌های منتسب به خود جلوگیری کند، همکاری‌هایش را با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تقویت کند و از فروش موشک بالستیک به روسیه خودداری کند. در مقابل آمریکا متعهد می‌شد از وضع تحریم‌های جدید اجتناب کند، نفتکش‌های خارجی حامل نفت ایران را توقیف نکند، به دنبال تصویب قطعنامه‌های جدید در شورای امنیت سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران نباشد.

تمام این توافق‌ها را که در دو سال گذشته به دست آمده است، می‌توان در قالب «مدیریت تخصام» دسته‌بندی کرد. بسیاری از مفاد تفاهم‌هایی که ایران و آمریکا در دوره دولت سیزدهم به آن دست یافتند، همچنان کم و بیش اجرا می‌شود. اما «مدیریت تخصام» به تنهایی برای حل و فصل مشکلات ایران و آمریکا، از جمله رفع تحریم‌های آمریکا علیه ایران کافی نیست. احمد یخشایش اردستانی، نماینده مجلس شورای اسلامی در این خصوص می‌گوید: «ما به مذاکره با آمریکا و مذاکره با جهان نیاز داریم. اشکالی ندارد که ما مذاکره کنیم. مگر ما می‌ترسیم؟ اگر منطقی ما قوی است، باید با همه دنیا صحبت کنیم. اگر منطقی ما ضعیف است باید فرار کنیم. اگر آقای عراقچی هم از مذاکره سخن بگوید، حرف خوبی است. اشکال این است که مذاکره را به معنای تسلیم معنی بکنیم. مذاکره می‌تواند خنثی باشد، مذاکره می‌تواند مثبت یا مذاکره ترکیبی باشد. مذاکره ظرفیت‌های خودش را دارد. آمریکا ابرقدرت است، ما باید مذاکره کنیم و رابطه داشته‌باشیم، همین الان هم در عین بی‌ربطگی رابطه خودمان را داریم. معنی اش این است که بیشترین درگیری ما با آمریکا است، اگر هم مذاکره نکنیم باز با آمریکا درگیر هستیم. وقتی این تماس از نوع درگیری وجود دارد، پس بهتر است مذاکره هم بکنیم تا مشکلاتمان حل شود. به هر حال آمریکا در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای عرب حضور دارد. حضور آمریکا در این مناطق مزاحم ما هم هست. این مزاحمت باید به گونه‌ای حل و فصل شود. ما اگر مذاکره نکنیم این مشکلات و مزاحمت‌ها به خودی خود هیچ‌وقت حل نخواهد شد.»

بعد از انتشار روایت سخنگویان کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی و فرهنگ از اظهارات سیدعباس عراقچی، نامزد پیشنهادی وزارت امور خارجه در دولت چهاردهم و سخنرانی عراقچی در دفاع از برنامه‌هایش در جلسه علنی روز یک‌شنبه مجلس، گمانه‌زنی‌ها در مورد برنامه عراقچی برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران و سرزوشت برجام افزایش یافته است. «برجام قابل احیا نیست»؛ نقل قولی بود که از عراقچی در کمیسیون‌های مجلس بیرون آمد و این سوال را پدید آورد که اگر دولت آینده به دنبال احیای برجام نیست، پس چه برنامه‌ای برای توافقی با هدف رفع تحریم‌ها دارد؟ کوروش احمدی، دیپلمات بازنشسته معتقد است که کنار گذاشتن برجام بدون ارائه جایگزینی مشخص برای آن، یک اقدام خطرناک و خلاف منافع کشور محسوب می‌شود. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با کوروش احمدی، دیپلمات بازنشسته، مطالعه می‌کنید.

«بعد از حضور نامزد پیشنهادی وزارت امور خارجه در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی برای ارائه برنامه‌هایش، برخی از نمایندگان مجلس ادعا کردند که سیدعباس عراقچی در این جلسات گفته‌است «برجام قابل احیا نیست.» به اعتقاد شما چنین گزاره‌ای تا چه اندازه درست است و آیا بیان این گزاره از سوی فردی که قصد دارد سکنا سیاست خارجی کشور را در اختیار بگیرد، منافع کشور را تامین می‌کند؟

موضوع مرگ برجام و غیرقابل احیا بودن این توافق، از شهریور ۱۴۰۱ و زمانی که آخرین تلاش‌ها برای احیای برجام با شکست مواجه شد، کم و بیش مطرح بوده است. واقعیت این است که برجام در طول پنج‌شش سال گذشته اجرا نشده است و چون اجرا نمی‌شود، ایران و آمریکا هر یک تدابیری را اتخاذ کرده‌اند که موجب شده است فاصله آنها از برجام سال ۱۳۹۴ بیشتر و بیشتر شود. مثلاً ایران یک سال بعد از خروج ترامپ از برجام اعلام کرد که براساس مفاد برجام و لزوم اقدامات جبرانی، به هیچ‌یک از تعهداتش در برجام پایبند نیست. از آن زمان برنامه هسته‌ای ایران با شتاب و گستردگی بسیار بیشتری توسعه پیدا کرده است. در این ۶ سال حجم و غنای اورانیوم غنی‌شده و ذخیره‌شده در ایران و شتاب تولید آن از اعداد ذکرشده در برجام بسیار فراتر بوده است. تجهیزاتی که ایران برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده می‌کند بسیار مدرن‌تر و به‌روزتر شده‌اند و نظارت‌های آژانس بر تاسیسات هسته‌ای ایران نسبت به دوران اجرای برجام بسیار کمتر شده است. این تحولات باعث شده است که برنامه هسته‌ای ایران در موقعیتی قرار بگیرد که بسیار با آنچه در برجام پیش‌بینی شده بود، متفاوت باشد. برای مثال در برجام پیش‌بینی شده بود که ایران به‌مدت ۱۵ سال غنای اورانیوم غنی‌شده خود را در سطح ۳/۶۷ درصد نگه دارد و در آن واحد بیش از ۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در خاک کشور نگهداری نکند. اما در حال حاضر ایران اورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند و براساس گزارش خردآمده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران بیش از ۶۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ذخیره کرده است که بیش از ۱۴۰ کیلوگرم آن اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی است.

مسئله مهم‌تر این است که مبنای مذاکره آمریکا با ایران در ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ این بود که برجام به نحوی تدوین شود که زمان گریز هسته‌ای ایران را (یعنی زمان مورد نیاز برای ساخت بمب بعد از اتخاذ تصمیم) در سطح یک سال نگه دارد، اما به گفته مقام‌های آمریکایی در حال حاضر زمان لازم برای داشتن اورانیوم با غنای ۹۰ درصد برای یک بمب هسته‌ای در ایران به دو هفته رسیده است. حال سوال طرف آمریکایی ممکن است این باشد که احیای آن زمان گریز هسته‌ای یک‌ساله ممکن است یا خیر؟ در دوره اجرای برجام هم مشخص شد که اشکالاتی در اجرا وجود دارد که دلیل اصلی آن به نظر من این است که برجام یک توافق جامع نیست، بلکه یک توافق تک‌موضوعی است. براساس تصمیم مقام‌های ایران در سال ۱۳۹۲ مقرر شد که دیپلمات‌های ایرانی فقط در مورد برنامه هسته‌ای ایران با آمریکا مذاکره کنند و در نتیجه تنها تحریم‌های فراملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نیز موضوع بحث شد. در نتیجه سایر موضوعات یعنی موضوعات حقوق بشری، نظامی، موشکی و تروریسم و تحریم‌های مرتبط با آنها کاملاً از شمول مذاکرات خارج شد. تحریم‌های اولیه یا دوجانبه آمریکا علیه ایران هم از اساس قرار نبود مورد مذاکره باشد. بعد از اجرای برجام مشخص شد که لغو تحریم‌های هسته‌ای به این شکل و باقی‌ماندن بقیه تحریم‌ها در عمل موجب انبهام‌ها و پیچیدگی‌هایی در بسیاری از حوزه‌های می‌شود، چراکه بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی نگران بودند که وضعیت حقوقی بسیار پیچیده‌ای که در اثر رفع برخی از تحریم‌ها و باقی‌ماندن برخی دیگر ایجاد شده، ممکن است باعث اشتباهات و دسردهایی برای آنها شود و نهایتاً دستگاه قضایی آنها را به دلیل نقض تحریم‌ها تحت تعقیب، مجازات و جریمه‌های چندین میلیارد دلاری قرار دهند. مشکل دیگر این است که مسائل موجود بین ایران و آمریکا اختصاص به برجام و تحریم‌ها ندارد. دو کشور با طیفی از مشکلات متعدد مواجه‌اند که روابط آنها و کار آنها باهم را بسیار پیچیده‌تر از گذشته و پر مناقشه‌تر از قبل در سیاست داخلی آمریکا و نیز در سیاست داخلی ایران کرده است.

لذا مدت‌هاست که این تصور ایجاد شده که به دلیل این پیچیدگی‌های حقوقی و سیاسی، ممکن است احیای برجام به شکل برجام ۹۴ دیگر عملی نباشد؛ مگر اینکه تغییرات عمده‌ای در آن داده شود. طبعاً بازکردن متن هم تبعات و دشواری‌های خاص خود را خواهد داشت.

«با توجه به توضیحاتی که در مورد دشواری احیای برجام فرمودید، آیا بیان این موضع از سوی جمهوری اسلامی و فردی که قرار است سکنا سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر عهده بگیرد، اقدام درستی است؟ آیا بیان علنی چنین موضعی باعث نمی‌شود که یکی از ابزارهای دیپلماتیک از دسترس ایران خارج شود؟

آنچه گفتیم استدلال‌هایی است که می‌توان در ارتباط با پیچیدگی‌های احیای برجام مطرح کرد. اما طرح آنها به صورت رسمی تنها در صورتی درست است که همراه با ارائه پیشنهاد جایگزینی برای برجام باشد. عامل تعیین‌کننده و مهم این است که وقتی می‌گوییم



نگاه دیپلمات

کوروش احمدی دیپلمات بازنشسته، در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

کنار گذاشتن برجام بدون جایگزین مشخص خطرناک است

نمی‌خواهیم یا نمی‌توانیم برجام را احیا کنیم، باید بگوئیم چه جایگزینی برای آن داریم. اگر آقای عراقچی در کمیسیون مجلس گفته باشد که «برجام قابل احیا نیست»، طبعاً بلافاصله باید برنامه پیشنهادی خود را برای جایگزین برجام ارائه کرد. سوال این است که اگر برجام نه، جایگزین آن چیست؟ اگر به جای برجام طرحی وجود نداشته‌باشد، خلأ ایجاد می‌شود. تا جایی که من شنیده‌ام و البته در سخنرانی ایشان در مجلس هم تکرار شد، ایشان خنثی‌سازی تحریم و مدیریت مخاصمه با آمریکا و نه رفع مخاصمه را مطرح کرده‌اند، اما طبعاً اگر بنا بر رفع مخاصمه نباشد یعنی به تعبیر دولت‌های قبل بنا بر تنش‌زدایی و اعتمادسازی نباشد، در آن صورت مذاکره برای رفع تحریم که ایشان مطرح کرده است، ممکن است یا عملی نباشد یا به جای نرسد. تاکنون حداقل روشن شده است که خنثی‌سازی تحریم به عنوان جایگزین برجام اصلاً و ابداً کافی نیست. سه چهار سال گذشته نشان داد که خنثی‌سازی تحریم فقط در ابعاد محدود ممکن است و نهایتاً نتیجه آن روزمرگی و به اصطلاح در حد بخور و نمیر می‌تواند کارایی داشته باشد و در این صورت توسعه کشور، احیای صنعت نفت، تامین بوده و فناوری لازم برای رفع ناترازی انرژی و مسائل دیگر، امکان اجرا ندارند. البته مادامی که از جزئیات برنامه دقیق سیاست خارجی آقای عراقچی باخبر نباشیم، نمی‌توانیم قضاوت دقیقی در این مورد داشته‌باشیم.

«در مورد مدیریت تخصام با آمریکا هم در سه سال گذشته ما تجربه تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم با آمریکا را داشتیم و دولت سیزدهم هم در حوزه مدیریت تخصام با آمریکا، فعال بود. فکر نمی‌کنید که صرف مدیریت تخصام، تفاهم‌های نانووشته و کوتاه‌مدت و تماس‌های غیرمستقیم برای حل مشکلات اساسی سیاست خارجی کشور کافی نباشد؟

نقل قولی که از صحبت‌های آقای عراقچی در مجلس منتشر شد این بود که ایشان گفته‌اند دشمنی ایران و آمریکا قابل رفع نیست و نتیجه گرفته‌اند که روی مدیریت تخصام با آمریکا کار می‌کنند. همانگونه که شما گفتید این برنامه جدیدی نیست و دست‌کم از اردیبهشت ۱۴۰۲ وارد فاز اجرایی شده بود و تفاهم‌نوشته‌ای میان ایران و آمریکا نیز در عمان در این رابطه شکل گرفت که توسط دو طرف کم و بیش تایید شد. این تفاهم به تبادل زندانیان، انتقال دارایی مسدودشده ایران از کره جنوبی به قطر و کاهش تنش در منطقه منجر شد. مادامی که یک تفاهم عمده و اساسی میان تهران و واشنگتن برقرار نشده‌باشد، این نوع مدیریت تخصام اقدام منطقی و قابل دفاعی است، اما نمی‌توان این فرآیند را به‌عنوان اقدام و برنامه نهایی مدیریت روابط با آمریکا ارائه داد. مدیریت تخصام با آمریکا به عنوان هدف، مطلقاً کافی نیست. اینکه ایران مقداری نفت به چین صادر کند و به قول آقای قالیباف در مناظره‌های اخیر ۳۰ درصد از درآمد حاصل از صادرات این نفت از بین برود و به قول سعید جلیلی ۲ تا ۴ درصد از خودنفت خام به دلیل نیاز به مخفی‌کاری در مسیر زایل شود و بخشی از درآمدها نیز به خاطر دشواری دسترسی به پول حاصله از طریق مراجع غیررسمی و تهاوت خسارت‌بار از بین برود، برای ایران اصلاً کافی نیست.

بعلاوه، اینکه بگوییم مشکل ایران و آمریکا هرگز قابل رفع نیست و شرایط قرار است به همین منوال ادامه پیدا کند، پیامی بسیار منفی به بازارهای ایران می‌دهد. چنین پیامی باعث می‌شود که هیچ دورنمای روشنی در مقابل اقتصاد کشور شکل نگیرد و نهایتاً بخش اقتصادی کابینه دولت چهاردهم هم در این شرایط نخواهد توانست به خوبی کار خود را پیش ببرد.

«علاوه بر آمریکا، یکسری از طرف‌های ایران در مذاکرات هسته‌ای و برجام، سه قدرت اروپایی بودند. الان یکی از نگرانی‌های عمده در مورد روابط اروپا و ایران، اقدام احتمالی سه کشور اروپایی باقیمانده در برجام در استفاده از مکانیزم‌های پیش‌بینی‌شده در برجام و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در قالب مکانیزم اسنپ‌بک است. فکر می‌کنید برای پیشگیری از این اتفاق چه باید کرد؟ اگر برجام احیاشدنی نیست، پس وضعیت مکانیزم اسنپ‌بک و قطعنامه تحریمی و فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل متحد که تا حدود یک سال دیگر قابل احیا هستند، چه خواهد شد؟

نکته دقیقی است. یکی از دلایلی که می‌گویم در صورت غیرقابل احیا دانستن برجام باید جایگزینی برای آن معرفی بکنیم، همین است. یکی از پیامدهای ناگوار مرگ قطعی برجام، همین مسئله اسنپ‌بک است. اگر قرار باشد برجام احیا نشود و برنامه دیگری هم برای توافق وجود نداشته‌باشد، در نتیجه اسنپ‌بک و بازگشت شش قطعنامه قبلی قطعی خواهد شد. مشکلات با اروپا ابعاد متعددی دارد که از جمله شامل تنش‌های جاری در منطقه خاورمیانه، واکنش اروپا به اعتراض‌های پاییز ۱۴۰۱ در ایران و مسئله اوکراین و ادعای حمایت نظامی ایران از روسیه می‌شود. روابط ایران و اروپا از چندین جهت دچار آسیب شده است و در چنین بستری، اگر هیچ دورنمایی برای احیای برجام یا جایگزینی برای آن وجود نداشته‌باشد، آنگاه استفاده از مکانیزم اسنپ‌بک به طور جدی‌تر مطرح خواهد شد.

«با توجه به سخنرانی آقای عراقچی در جلسه ارائه برنامه‌ها در مجلس شورای اسلامی و نقل قول‌هایی که از ایشان در جلسات خصوصی کمیسیون‌های تخصصی منتشر شده‌است، تا چه اندازه فکر می‌کنید که اظهارنظری مانند «برجام قابل احیا نیست» فقط با هدف مدیریت فضای مجلس و تلاش برای تسهیل رای اعتماد بیان شده‌باشد؟

برداشتن من این نبود که این تنها یک تاکتیک برای کسب رای بوده باشد. چنین چیزی می‌تواند برای آینده رابطه مجلس و ایشان ایجاد مشکل کند. اگر حتی آن را تاکتیک فرض کنیم، چنین تاکتیکی با توجه به جو این مجلس خاص و انتظارات موجود از دولت آقای پزشکیان عوارض و مشکلات خاص خود را خواهد داشت. این گزاره که خصوصت بین ایران و آمریکا قابل رفع نیست و عدم صحبت از تنش‌زدایی و اعتمادسازی، تالی‌های خاص خود را دارد، از جمله می‌تواند بر جو مجلس و طیف‌های محافظه‌کار که در گذشته این گزاره را مستمراً مطرح کرده‌اند و نیز بر افکار عمومی و بازار تأثیر خود را بگذارد. به دیگر سخن، در دنیای امروز مشکل می‌توان چیزی گفت و فردا طوری دیگر عمل کرد. ضمن اینکه بعید می‌دانم اساساً آقای دکتر عراقچی برای گرفتن رای اعتماد نیل‌از به چنین مانور‌هایی داشته‌اند.

دیپلمات‌ها



آتش‌بس با پاسخ ایران ارتباط مستقیم ندارد

«ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت خارجه با بیان اینکه ایران از هر تلاش صادقانه‌ای برای آتش‌بس و پایان دادن به جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه استقبال می‌کند در بخشی از صحبت‌های خود گفت: در ارتباط با موضوع آتش‌بس و مسائل مربوط به آن ما آمریکا را دارای حسن‌نیت و صلاحیت تلقی نمی‌کنیم و این موضوع ناشی از رفتار و عملکرد دولت آمریکا است.

سخنگوی وزارت خارجه با بیان اینکه آمریکا یکی از حامیان تمام‌عیار و همه‌جانبه جنایت‌های رژیم صهیونیستی است، گفت: آمریکا با اقدامات خود تا الان ثابت کرده است که یک طرف جنگ است نه یک طرف صلح برای آتش‌بس. کنعانی با بیان اینکه ما از اینکه مذاکراتی برای آتش‌بس انجام شود حمایت کرده‌ایم و مشورت‌های منطقه‌ای در این زمینه داشته‌ایم، اظهار کرد: علی‌رغم نگاه اصولی و انتقادی که به رفتار آمریکایی‌ها داریم از تلاش‌هایی که همراه با حسن‌نیت است، حمایت می‌کنیم.

وی با بیان اینکه یک طرف این موضوع فلسطینی‌ها و یک طرف دیگر این موضوع صهیونیست‌ها هستند، خاطر نشان کرد: صهیونیست‌ها در ۱۰ ماه گذشته بیش از ۴۰ هزار نفر را در غزه قتل‌عام کرده‌اند که ۱۵ هزار نفر آنها کودک بوده‌اند.

کنعانی با بیان اینکه رژیم صهیونیستی تاکنون نشان داده است که تمایلی به برقراری آتش‌بس ندارد و واکنش‌هایی که از این رژیم بعد از این مذاکرات می‌بینیم همین موضوع را نشان می‌دهد و آنها ذره‌ای از ادامه کشتار خود کوتاهی نکرده‌اند، گفت: توپ در حال حاضر در زمین آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی است و دولت آمریکا باید نشان دهد که هدفش از برقراری مذاکرات یک مانور سیاسی با هدف دستاورد سیاسی و خریدن زمان برای رژیم صهیونیستی برای ادامه کشتار است یا اینکه واقعاً به دنبال ایجاد آتش‌بس است. آنچه که در این زمینه محل قضاوت است عملکرد آمریکایی‌هاست.

وی در پاسخ به سوالی در ارتباط با برخی از تحلیل‌های منتشرشده مبنی بر اینکه ایران احتمالاً در برابر ایجاد آتش‌بس در غزه از حق خود در ارتباط با خودخواهی از ترور اسماعیل هنیه در تهران می‌گذرد، با تأکید بر حمایت ایران از ضرورت ایجاد آتش‌بس فوری در غزه و توقف کشتار رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین گفت: این موضوع با حق مشروع ایران و تنبیه متجاوز و پاسخ به تجاوز صورت‌گرفته ارتباط مستقیمی ندارد. این دو موضوع، دو موضوع جداگانه هستند و ارتباط مستقیمی با یکدیگر ندارند.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: ما به‌عنوان جمهوری اسلامی ایران بر حق قانونی و مسلم خود بر تنبیه متجاوز تأکید داریم و همچنین به دوستان خود نیز گفته‌ایم که به دنبال تشدید تنش در منطقه نیستیم و از تلاش‌های همراه با حسن‌نیت حمایت می‌کنیم و از دیگر سو بر حق ذاتی ایران در استیفای حقوق خود و تنبیه متجاوز تأکید داریم و در زمان مقتضی نیز از آن استفاده می‌کنیم.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد اظهارات مقامات آنکارا مبنی بر نقش مثبتی که تهران می‌تواند در برقراری روابط آنکارا و دمشق داشته‌باشد، گفت: از چنین رویکردی با جدیت حمایت می‌کنیم. ما معتقدیم دو کشور مهم منطقه سوریه و ترکیه که هر دو از دوستان، متحدان و شرکای اساسی و راهبردی منطقه‌ای ایران هستند، می‌بایست در سریع‌ترین زمان ممکن مسائل و مشکلات موجود بین خود را حل و فصل کنند و روابط دو کشور را به حالت عادی بازگردانند. وی گفت: ما تشویق‌کننده این روند هستیم و از این روند به صورت قطعی و جدی حمایت می‌کنیم.